

استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر

۱- وفاء محفوظی موسوی ۲- دکتر سید حسین سیدی (نویسنده مسؤل) ۳- دکتر امیر

مقدم متقی

۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- استاد گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- دانشیار گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: va.mahfouzimousavi@mail.um.ac.ir

Email: seyedi@ferdowsi.um.ac.ir

Email: a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

نخستین مطالعه استعاره براساس دیدگاه نوین در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی شناختی، نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون است. طبق نظر آنان، استعاره منحصر به حوزه زبان نیست که راهی برای اندیشیدن درباره موضوعات مختلف است. از آنجا که زبان قرآن، زبانی استعاری است، در مطالعات زبان‌شناسی شناختی می‌تواند مورد پژوهش واقع شود. در این پژوهش بر آن هستیم تا به روش توصیفی-تحلیلی، کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر را واکاوی کرده، به درک دقیق آنها دست یابیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت تجسم‌بخشیدن به مفاهیم انتزاعی حوزه قیامت در سوره فجر است.

کلمات کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، فجر، قیامت، نام‌نگاشت.

۱. مقدمه

براساس نظریه شناختی، استعاره نوعی مجاز و مقوله‌ای ذهنی است، برخلاف نظریه سنتی که آن را پدیده‌ای ادبی می‌دانستند؛ نظریه استعاره مفهومی، بر این ادعا است که نه تنها زبان، که شیوه درک ما از مقولات انتزاعی جهان بر مبنای استعاره استوار است و استعاره به‌طور کلی فرایندی ذهنی و شناختی است. پژوهش‌های لیکاف و جانسون که از پایه‌گذاران استعاره معاصر هستند ثابت کرد که کاربردهای استعاره به حوزه مطالعات ادبی و کاربرد واژه، به عبارت یا واژه محدود نمی‌شود بلکه استعاره همانند ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و درحقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند. بنابراین، استعاره یکی از ابزار تفکر در مفاهیم انتزاعی است و هر حوزه مفهومی در استعاره مفهومی، مجموعه منسجمی از تجربیات است.

از آن سو، متون دینی سرشار از عبارات استعاری است؛ قرآن کریم به‌مثابه یک متن دینی، سرشار از مفاهیم انتزاعی و مجرد است و شناخت استعاره‌های مفهومی قرآن کریم با توجه به ساختار نظام‌مند و استعاری قرآن، مسئله‌ای بسیار ضروری است؛ چرا که در پرتو وجود این استعاره‌ها، فضای آیات و نحوه درک و فهم مخاطب از آن‌ها دگرگون شده است و نقشی اساسی در نحوه نگرش مخاطب به جهان هستی و شناخت معرفت توحیدی ایفا می‌کند. همچنین، زبان استعاری قرآن کریم، همواره چالش‌هایی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد و ذهن او را به تفکر وادار می‌دارد تا از این رهگذر، با شناخت و تحلیل مبانی اصول دینی از جمله مفهوم قیامت که یکی از اساسی‌ترین مفاهیم دینی اسلام است، رشد فردی خود را ارتقا دهد و آگاهی‌های لازم را کسب کرده، روش صحیح زندگی را بشناسد تا به سعادت اخروی دست یابد؛ لذا بررسی نظریه استعاره معاصر که براساس واقعیت‌های زندگی است، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ از این جهت، نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی سوره فجر به این پرسش‌ها پاسخ دهد که کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر به چه صورت است؟ و کدام یک از استعاره‌های مفهومی از بسامد بالایی برخوردار است؟

فرضیه این است که کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر، تجسم‌بخشیدن به مفاهیم انتزاعی است و استعاره‌های ساختاری بیشترین بسامد را در میان دیگر استعاره‌های مفهومی سوره فجر دارد.

ابزار تحقیق، کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است؛ ابتدا با جستجوی منابع، آیات مربوط به قیامت در سوره فجر را مشخص کرده، به فیش‌برداری مطالب پرداختیم و سپس استعاره‌های حوزه قیامت را براساس رویکرد لیکاف و جانسون تحلیل کردیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با جستجو در حوزه استعاره‌های مفهومی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی مشاهده شد که با توجه به رویکرد مقاله حاضر، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

پژوهش درباره استعاره مفهومی نخستین بار در غرب آغاز شد و بسیاری از فعالان عرصه زبان‌شناسی، لیکاف و جانسون را آغازگران مطالعه استعاره مفهومی در زبان‌شناسی شناختی می‌دانند. بعدها اندیشمندان دیگری در خارج و داخل کشور به این موضوع پرداختند.

۱- لیکاف و جانسون (۱۹۸۰م) با نگاشتن کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم»، انتشارات دانشگاه شیکاگو آمریکا، دیدگاه کلاسیک استعاره را به چالش کشیدند و ادعا کردند استعاره، تنها به حوزه زبان محدود نشده، بلکه سراسر زندگی روزمره و از جمله حوزه اندیشه و عملمان را نیز دربرگرفته است.

- ۲- عبدالله الحراسی (۲۰۰۲م/ ۱۳۸۱ش) در کتاب «دراسات فی الاستعاره المفهومیة» استعاره مفهومی را فقط از زاویه و دید بلاغت بررسی نمی‌کند، بلکه به‌عنوان یک پدیده ذهنی که به‌وسیله جاری ساختن تجربه‌های مادی بر این امور، به تفکر بشری امکان تعامل با امور مجرد را می‌دهد به آن می‌نگرد. لذا در این کتاب نقش استعاره را در تشکیل مفاهیم فلسفی، دینی و سیاسی و در تشکیل مفاهیم اخلاق در فرهنگ عربی مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ۳- هوشنگی و سیفی پَرگو (۱۳۸۸) در مقاله «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی» برخی حوزه‌های مفهومی مبدأ در قرآن کریم از قبیل بدن، حیوانات، گیاهان، ابزار و ماشین‌ها، تجارت و کسب و کار را مهم‌ترین حوزه‌های مفهومی می‌دانند.
- ۴- کُردزغفرانلو و حاجیان (۱۳۸۹) در مقاله «استعاره‌های جهت‌ی قرآن با رویکرد شناختی» بعضی از مفاهیم انتزاعی قرآن را در بررسی تقابل‌های «بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون» مورد بررسی قرار دادند.
- ۵- امینی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی در سوره واقعه»، تلاش نمودند تا نشان دهند مفاهیم و استعاره‌های به‌کار رفته در این سوره، باعث درک بهتر از معاد می‌شوند.
- ۶- حجازی (۱۳۹۵) مقاله «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» را بررسی و بیان کرده است که استعاره‌های قرآن، پایبند به زبان، جامعه و زمان نیستند و افزون بر فرازبانی بودن، فرازمانی و فرابشری نیز هستند.
- ۷- علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۶) در کتاب «استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن» پس از تبیین نظریه استعاره مفهومی، به تحلیل اقسام استعاره‌های قرآنی، از قبیل استعاره‌های وجودی و ساختاری پرداخته و در پایان، به بحث در توحید وجودی و متافیزیکی پرداخته است.
- ۸- سید حسین سیدی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات» استعاره‌های مربوط به حوزه مفهومی قیامت را واکاوی کرده، به تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند.
با ملاحظه پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه استعاره‌های مفهومی، تاکنون پژوهشی که به‌طور جداگانه استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر را بررسی نماید، یافت نشده است؛ به نظر می‌رسد با بررسی سوره فجر از این زاویه، بتوان زبان استعاری قرآن را بهتر درک نمود.

۲- مبانی پژوهش

نظریه معاصر استعاره را مایکل ردی برای اولین بار در اواخر ۱۹۷۰، یعنی همزمان با تولد زبان‌شناسی شناختی مطرح کرد. ردی نشان داد که جایگاه استعاره اندیشه است و نه زبان؛ و استعاره، بخشی مهم و جدایی‌ناپذیر از شیوه متعارف و معمول مفهوم‌سازی جهان توسط ماست و رفتار روزمره ما بازتاب درک استعاری ما از تجربه است. (لیکاف، ۱۹۹۳: ۱۹۸) در ادامه، رویکرد جدید به استعاره که تمام جنبه‌های نظریه قدرتمند سنتی را به‌نحوی منسجم و نظام‌مند به چالش می‌کشد، اولین بار توسط جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ در کتابی سرنوشت‌ساز به‌عنوان استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، مطرح شد (کووچش، ۱۳۹۳: ۶) و از آن زمان به بعد، توسط زبان‌شناسان شناختی نظیر سوییتسر (۱۹۹۰)، ترنر (۱۹۹۱) و کووچش (۲۰۰۲) دنبال شد.

استعاره در دیدگاه زبان‌شناسی به‌طور اساسی مترادف با استعاره مفهومی است و عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. یک راه ساده و کوتاه در توصیف و ارائه چنین دیدگاهی به استعاره می‌تواند چنین باشد: **حوزه مفهومی الف همان حوزه مفهومی ب است*** که به آن استعاره مفهومی گفته می‌شود. (کووچش، ۱۳۹۳: ۱۴ و ۱۵)

یک استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن استعاره‌ها به‌عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می‌کنند. آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ (Source Domain) و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود، حوزه مقصد (Target Domain) می‌نامیم. هر حوزه مفهومی، مجموعه منسجمی از تجربیات است. (همان، ۱۵). بنابراین در یک استعاره مفهومی، میان دو حوزه مبدأ و مقصد، نگاشت یا نگاشت‌هایی وجود دارد. نگاشت «مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی سازه‌ای حوزه ب را بر عناصر سازه‌ای حوزه الف منطبق می‌کنند. به این تناظرهای مفهومی در بیان فنی، نگاشت گفته می‌شود. (کووچش، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۰) نام‌نگاشت (عشق سفر است) از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب با توجه به گفته لیکاف (Lakoff, 2006: 212) مبنی بر اینکه: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد (عشق) است، با آنچه در حوزه مبدأ (سفر) است، وجود دارد. لیکاف در اصل استعاره را «نگاشت میان قلمروهای متناظر در نظام مفهومی» تعریف می‌کند و از این رو، هر نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی - و نه یک گزاره صرف - می‌داند. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه که نظریه کلاسیک مطرح می‌کند این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند و اساس آن بر روابط مفهومی دو حوزه مبدأ و مقصد استوار است. از این منظر، کار کلمات و عبارات، برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباطی است که در خلال آن موضوعات، ویژگی‌ها و روابط میان دو حوزه منتقل می‌شود (Lakoff, 2006: 212). نظریه پردازان این نگرش، به-ویژه لیکاف و جانسون به بحث استعاره توجه ویژه‌ای نشان داده، آن را محدود به زبان ادبی نمی‌دانند و کاربرد آن را به درک ما از زندگی روزمره تعمیم داده‌اند.

۲-۱. انواع استعاره‌های مفهومی

لیکاف و جانسون، استعاره‌های مفهومی را به سه دسته اصلی استعاره‌های جهت‌ی، هستی‌شناختی و ساختاری تقسیم کرده‌اند. استعاره‌های وضعی یا جهت‌ی استعاره‌هایی هستند که عمدتاً مفاهیم را براساس جهت‌گیری فضایی مانند بالا، پایین، عقب، جلو، دور، نزدیک و ... سازمان‌دهی و مفهومی می‌کنند. (Lakoff & Johnson, 1980: 14) در استعاره‌های هستی‌شناختی، «ادراک تجربیاتمان در شکل اشیا و جوهرها، امکان شناخت قسمت‌هایی از تجربه و تلقی ما را از آنها به مثابه هستومندها و جوهرهای مجزای نوعی واحد، فراهم می‌کند.» (Ibid: 25) لیکاف و جانسون، اساس استعاره‌های ساختاری را سامان‌دهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر می‌دانند. (Lakoff & Johnson, 1980: 4) استعاره‌های مفهومی برای اندیشیدن و تفکر به کار می‌روند؛ بنابراین، برای فهم و درک واژگان و عبارات متون ادبی و دینی، به‌کارگیری این استعاره‌ها ضروری می‌نماید.

۳-۱. معرفی مختصر سوره فجر

این سوره را «فجر» می‌نامند، زیرا با سوگند خداوند به فجر (سپیده‌دم) آغاز می‌شود. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۲۶۳) سوره فجر جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول دهمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. (معرفت، ۱۳۷۱: ج ۱: ۱۶۶) این سوره در چپش کنونی مصحف هشتاد و نهمین سوره است و ۳۰ آیه دارد و جزو سوره‌های مفصلات (دارای آیات کوتاه) است و با پنج سوگند آغاز می‌شود. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۲۶۳-۱۲۶۴)

سوره فجر به سوره امام حسین(ع) مشهور شده است. (محدثی، ۱۳۸۸: ۲۵۱) چراکه بر پایه حدیثی از امام صادق(ع)، منظور از «نفس مطمئنه» [در آیه ۲۷] امام حسین(ع) است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۹۳)

۴- بحث و بررسی

استعاره‌های مفهومی در این سوره عبارتند از: استعاره هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی.

۴-۱. استعاره هستی‌شناختی

پیشتر بیان شد که در استعاره‌های هستی‌شناختی، تجربیاتمان در قالب اشیاء، جواهر و یا انسان‌ها هستموند می‌شوند. این نوع از استعاره‌ها خود به سه دسته تقسیم می‌شود: پدیده‌ای یا مادی، ظرف و شخصیت. داده‌های این سوره را با توجه به انواع این استعاره‌ها بررسی می‌کنیم:

۴-۱-۱. استعاره پدیده‌ای

در استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی، ارزش پدیده‌ای به مفهومی انتزاعی داده می‌شود. به‌عنوان مثال، می‌توان به عبارت «تورم، مرا عصبانی می‌کند» اشاره کرد. (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۵۹)

در آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْأَمْرٌ صَادٍ (۱۴): زیرا پروردگار تو سخت در کمین است» نام‌نگاشت «قیامت، کمین‌گاه است» می‌باشد. مفهوم انتزاعی قیامت، ناملموس است و بایستی به‌وسیله یک حوزه مفهومی، آن را ساختمند کرد. در این استعاره، حوزه مبدأ کمین‌گاه بر حوزه مقصد قیامت نگاشت شده است. در واقع، قیامت به‌مثابه مکانی است که در کمین کافران و مجرمان است. در کتاب «المیزان» آمده: «کلمه «مرصاد» به‌معنای آن محلی است که در آنجا به کمین بنشینند و منتظر رسیدن شکار و یا دشمن باشند، و بر مرصاد- بودن خدای متعال با اینکه او منزّه است از نشستن در مکان، کنایه‌ای است تمثیلی، که می‌خواهد بفهماند خدای متعال مراقب اعمال بندگانش است، همان‌طور که انسان در کمین نشسته مراقب حرکات و سکنات دشمن خویش است، و منتظر است تا او را دستگیر کند و یا به قتل برساند، و خود او هیچ خبر ندارد از اینکه دشمنش درصدد دستگیری و یا کشتن او است، خدای سبحان هم مراقب اعمال بندگان خویش است، همین‌که طغیان کردند و فساد را گسترش دادند، ایشان را به شدیدترین وجهی عذاب می‌کند.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۷۱)

در آیه «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى (۲۳): و دوزخ را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است که انسان پند گیرد و [لی] کجا او را جای پندگرفتن باشد» نام‌نگاشت «دوزخ مکانی متحرک است» را می‌توان دریافت.

علت انتخاب به‌عنوان استعاره پدیده‌ای این است که حوزه مقصد دوزخ به‌واسطه حوزه مبدأ مکان متحرک، مفهوم‌سازی شده است. با توجه به فعل «جیء» در آیه، به متحرک بودن مکان دوزخ پی می‌بریم؛ مکانی که با حاضر کردن آن، کافران به یاد اعمال خود می‌افتند و باید پند بگیرند ولی دیگر برای پندگرفتن دیر شده است. گفته شده «بعید نیست که مراد از «آوردن جهنم»، پرده برداری از روی آن باشد، همچنان که در آیه زیر همین تعبیر آمده فرموده: «و برزت الجحیم لمن یری» و نیز آیه زیر که می‌فرماید: " و برزت الجحیم للغاوبین" (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۰: ۴۷۶) بنابراین با آشکار شدن دوزخ، مکان آن نیز قابل دیدن می‌شود. بنابراین، مفهوم انتزاعی دوزخ در قالب مکانی متحرک مجسم می‌شود و برای مخاطب قابل فهم و درک می‌گردد.

در آیه «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱): نه چنان است آن گاه که زمین سخت درهم کوبیده شود» نام‌نگاشت، «قیامت، درهم کوبیده- شدن زمین است» می‌باشد.

واژه دَکّ به معنی ویران شدن، فرو ریختن دیوار، کوه و غیره است، دَک الارض: پستی و بلندی های زمین یکسان شد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰: ۴۲۴)

علت انتخاب به عنوان استعاره پدیده‌ای این است که ما درباره ماهیت قیامت، اطلاعات اندکی داریم، به همین دلیل آن را در قالب یک رُخداد یا پدیده ملموس می‌پذیریم؛ این رُخداد ملموس در اینجا، درهم کوبیده شدن زمین است که رُخداد زلزله را برای ما تداعی می‌کند. یکی از صحنه‌های برپایی قیامت نیز، درهم کوبیده شدن زمین است؛ «إِذَا دَكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا» یعنی آن‌گاه که هر چیزی در پشت زمین از کوه و ساختمان و درختان شکست تا اینکه زلزله شد و چیزی بر زمین باقی نماند و پی‌درپی این کار را نمود. (ر.ک. الطبرسی، ۱۴۲۵، ۱۰: ۷۴۱) بنابراین با استفاده از حوزه مبدأ، حوزه مقصد قیامت استعاری سازی می‌شود.

در آیه «وَأَدْخَلِي جَنَّتِي (۳۰)»: و در بهشت من داخل شو» نام‌نگاشت «بهشت، مکان است» را می‌توان مشاهده کرد. در استعاره‌های پدیده‌ای، با استفاده از حوزه مبدأ، به مفهوم سازی حوزه مقصد می‌پردازیم و در واقع تناظرهای دو حوزه، در هستومند کردن مفهوم نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این آیه، حوزه مقصد بهشت با استفاده از حوزه مبدأ مکان، مفهوم سازی شده است.

۴-۱-۲. استعاره شخصیت:

در استعاره شخصیت، مفهوم انتزاعی یا مادی به مثابه یک جاندار یا انسان در نظر گرفته می‌شود. «احتمالاً مشخص‌ترین استعاره‌های هستی‌شناختی آن‌هایی‌اند که در آنها شیء مادی به مثابه یک شخص در نظر گرفته می‌شود. چنین شرایطی این امکان را برایمان فراهم می‌کند تا تجربیات متعددی با چیزهای غیرانسانی را در ارتباط با انگیزه‌ها، خصوصیات و فعالیت‌های انسان دریابیم.» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۶۹)

«وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)»: و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند» نام‌نگاشت «پروردگار و فرشته‌ها می‌آیند» است. «در این جمله نسبت آمدن به خدای تعالی داده، و این تعبیر از تشابهات است که آیه «لیس کمثله شیء» و آیاتی که خواص قیامت را ذکر می‌کند، و مثلاً می‌فرماید آن روز همه سببها از کار می‌افتند، و همه حجابها کنار می‌رود، و بر همه مکشوف می‌شود که خدا حق مبین است، این تشابه را تفسیر می‌کند، و تشابه آن را برطرف می‌سازند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۷۵) خداوند متعال در روز قیامت، به همراه فرشتگان صف در صف، برای داوری و محاسبه حاضر خواهند بود. همان‌طور که «در کتاب عیون در روایات وارده از حضرت رضا در باب توحید به سند خود از علی بن فضال از پدرش، نقل شده که گفت: از حضرت رضا (علیه السلام) پرسیدم: معنای آیه «و جاء ربک و الملک صفا صفا» چیست؟ فرمود: خدای تعالی به صفت آمدن و رفتن توصیف نمی‌شود، چون خدا منزله است از انتقال، منظور آیه از آمدن خدا، آمدن امر خدا است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۸۰)

در آیه «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى (۲۳)»: و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است که انسان پند گیرد [ولی] کجا او را جای پند گرفتن باشد.» نیز استعاره شخصیت وجود دارد و نام‌نگاشت «دوزخ مکان متحرک است» می‌باشد.

در اینجا، موضوع آوردن جهنم در صحنه قیامت است. یعنی به جهنم، تصویر تشخیص از مکانی که قابلیت حرکت و تغییر مکانی دارد، داده شده است که آن را از مکانش انتقال داده، به صحنه قیامت می‌آورند. (شربتدار، ۱۳۹۵: ۹۵) بنابراین، به دوزخ، ویژگی جاندار داده شده که قابل حرکت است. براین اساس می‌توان گفت در این آیه، استعاره شخصیت وجود دارد.

همچنین «در شخصیت‌بخشی یک هدف کلی داریم و هدف‌های خاص موردی. هدف کلی که در همه موارد به چشم می‌خورد تناسب با تفکر دینی و توحیدی است، ولی در هر موردی با توجه به شرایط و خصوصیت‌های موردنظر، هدف‌های دیگری هم وجود دارد.» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۰۶) در شخصیت‌بخشی آیات مربوط به قیامت، هدف کلی، تناسب با تفکر دینی و توحیدی است که همان قیامت است و قیامت از مفاهیم انتزاعی مهمی است که در تبیین اعتقادات مسلمانان نقش مهمی دارد.

۲-۴. استعاره ساختاری

پیشتر بیان شد که در استعاره ساختاری، یک مفهوم به شکل استعاری براساس یک مفهوم دیگر ساخت‌مند می‌شود؛ «ساخت‌بندی استعاری مفاهیم لزوماً نسبی است و در واژگان هر زبان بازتاب می‌یابد» در ادامه به تحلیل داده‌های این بخش می‌پردازیم: در آیه «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴): گوید کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم»، نام‌نگاشت، «قیامت روز حسرت است» را می‌توان استنباط کرد.

علت انتخاب به‌عنوان استعاره ساختاری این است که حوزه مقصد قیامت به وسیله حوزه مبدأ روز حسرت، استعاری‌سازی شده است؛ در تفسیر آیه گفته شده: «مراد از تقدیم در جمله «قدمت» از پیش فرستادن عمل صالح است برای زندگی آخرت، و مضمون آیه آرزویی است که انسان در هنگام رسیدن به قیامت و متذکر شدن از دیدن حقایق آن از خود سر می‌دهد، و به رأی العین می‌بیند که تلاشش در دنیا سودی به حالش نمی‌دهد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۷۶) همچنین با توجه به عبارت «يَا لَيْتَنِي» در این آیه، به احساس حسرت و پشیمانی کافر در روز قیامت پی می‌بریم. بنابراین، مفهوم حوزه مبدأ مانند حسرت و اندوه که در تجربیات روزمره-مان جریان دارد بر مفهوم انتزاعی قیامت که در آن روز عده‌ای اندوهگین و حسرت‌مند هستند، نگاشت می‌شود.

در آیه «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵): پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند» نام‌نگاشت: «قیامت عذاب‌سخت است» را می‌توان دریافت نمود.

«ضمیر در «عذابه» و در «ووثاقه» به خدای تعالی برمی‌گردد، و معنای آیه این است که امروز عذاب خدا آن‌چنان سخت است که احدی از خلق کسی را آن‌طور عذاب نکرده، و در بندکردنش آن‌چنان سخت است که احدی از خلق کسی را آن‌طور در بند نکرده، و این تعبیر کنایه است از شدت در تهدید.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۷۷) تناظرهای حوزه مبدأ مانند «مجرم، جرم، حکم دادگاه و زندان» بر تناظرهای حوزه مقصد مانند «گناهکار، گناه، کارنامه اعمال و عذاب دوزخ» نگاشت می‌شود.

در آیه «وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰): و در بهشت من داخل شو» نام‌نگاشت «بهشت، مکان است» را می‌توان به‌دست آورد. شاهدهای زبانی مبنی بر تأیید این نام‌نگاشت، حرف جر «فی» است که به معنای درون و داخل است؛ همچنین افعالی مانند «ادخلی» که از ریشه «دخل» است و به معنی واردشدن است گواه این مدعا است. بنابراین، با استفاده از حوزه مبدأ مکان، حوزه مقصد بهشت مفهوم‌سازی شده است.

۳-۴. استعاره‌های جهتی

استعاره‌های جهتی از آنجایی که با جهت‌های مکانی پیوند دارند، جهتی می‌نامند. شکل‌گیری آنها براساس تجربه‌های جسمی و فرهنگی ما صورت می‌گیرد. ویژگی این استعاره‌ها، انسجام‌بخشیدن به نظام مفهومی ما است. از سویی دیگر، هر ملتی فرهنگ مخصوص خود را دارد و برای امور مختلف، تعابیر گوناگونی به کار می‌برد؛ به‌عنوان مثال، برای مفاهیمی چون خوبی، درست‌کاری، صداقت و پابندی به پیمانها ارزش بالا را در نظر می‌گیرند و برای مفاهیمی چون دروغ، خیانت، ستم و گناه ارزش پایین را در نظر می‌گیرند.

در آیه «وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)»: و در بهشت من داخل شو» نام‌نگاشت «بهشت، بالا است» را می‌توان دریافت نمود. در این آیه، بهشت جهت بالا دارد چرا که مفهومی ارزشمند است و مفاهیم ارزشمند، جهت‌دهی بالا را دارا هستند؛ بنابراین با استفاده از عبارت جهتی «بالا» مفهوم‌سازی شده است. براین اساس، کاربرد و انتخاب استعاره‌های جهتی، دلبخواهی و اختیاری نیست چرا که ریشه در تجربیات فرهنگی و فیزیکی ما دارند.

نتایج

نظریه معاصر استعاره بر این نظر است که سرشت انسان سرشتی استعاری دارد و استعاره به‌شکل ناخودآگاه در تجربیات و زندگی روزمره مردم جریان دارد. همچنین، از آنجا که متون دینی و ادبی سرشار از مفاهیم استعاری هستند، کاربرد استعاره مفهومی در آنها بسیار چشمگیر است. قرآن کریم به مثابه یک متن دینی از این قاعدع مستثنی نیست و مفاهیم استعاری آن فراوان است. استعاره مفهومی در تبیین و روشنگری مفاهیم انتزاعی نقش به‌سزایی دارد. مفهوم انتزاعی قیامت از مفاهیم انتزاعی مهمی است که در سرتاسر قرآن کریم قابل تأمل است. در این نوشتار با بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر به نتایج زیر دست یافتیم:

در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت تجسم‌بخشیدن به مفاهیم انتزاعی و ملموس‌تر کردن آنها از برجسته‌ترین کارکرد استعاره‌های هستی‌شناختی است. دقت در این استعاره‌ها موجب می‌شود که ترجمه و تفسیر دقیق‌تری از آیات مربوط به حوزه مفهومی قیامت در جزء سی قرآن کریم به‌دست آید.

پاسخ پرسش دوم نیز بدین صورت است که در سوره فجر، استعاره‌های مفهومی به‌کار رفته است ولیکن بسامد استعاره‌های هستی‌شناختی و به‌ویژه استعاره‌های پدیده‌ای بیشتر است. هرچند به این مطلب باید توجه داشت که بعضی آیات هم جزء استعاره‌های هستی‌شناختی هستند و هم جزء استعاره‌های ساختاری و یا یکی از استعاره‌های ساختاری، استعاره جهتی نیز به‌شمار می‌رود. به‌هر ترتیب با بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره فجر، به فهم و درک بهتری از مفهوم انتزاعی قیامت نائل می‌شویم کما اینکه نقش روشنگری استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم سبب دستیابی به تفسیر بهتر آیات می‌شود. با وجودی که در زمینه استعاره‌های مفهومی پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته ولیکن هنوز ضرورت بحث و بررسی این استعاره‌ها در بقیه موضوعات و سوره‌های قرآن کریم احساس می‌شود؛ بنابراین این پژوهش می‌تواند مانند دیگر پژوهش‌های مشابه، مورد استفاده علاقمندان واقع شود.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. حسینی، سیده مطهره، قائمی‌نیا، علیرضا(۱۳۹۶) «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»، ذهن، بهار ۱۳۹۶، دوره ۱۸، شماره ۶۹ صص ۵۲-۲۷.
۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین(۱۳۷۷ش) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان-ناهیید.
- ۴.
۵. الراغب الإصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودی، الناشر: دمشق بیروت: دارالقلم، دارالشامیه.
۶. شربتدار، حسن علی(۱۳۹۵) تصویر هنری در جزء سی قرآن کریم، رساله دکتری، استاد راهنما: سید حسین سیدی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین(۱۳۷۴ش) ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۸. قائمی‌نیا، علیرضا(۱۳۹۶) «استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن» تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۹. کووچش، زُلتنان(۲۰۱۴/۱۳۹۳م) مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، ترجمه: شیرین پورابراهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
۱۰. لیکاف، جورج(۱۳۸۲) «نظریه معاصر استعاره»، استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر(حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، صص ۱۹۵-۲۹۸)
۱۱. لیکاف، جرج و مارک جانسون(۱۳۹۶ش) «استعاره‌هایی که باور داریم» ترجمه راحله گندمکار، تهران: نشر علمی، چاپ اول.
۱۲. مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ق) بحار الأنوار، به تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۱۳. محدثی، جواد(۱۳۸۸ش)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، چاپ سیزدهم.
۱۴. معرفت، محمدهادی(۱۳۷۱ش) آموزش علوم قرآن، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان(۱۳۷۴ش) «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

منابع لاتین:

16. Lakoff George & Mark Johson(1980) "The metaphorical structure of the Human Conceptual System", Cognitive science.
17. Lakoff, George(2006) "The contemporary theory of Metaphor", In Geerarts Dirk(Ed.) Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research, 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.